

SID



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



کارگاه‌های آموزشی



سرویس ترجمه تخصصی



فیلم‌های آموزشی

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی

آشنایی با پایگاه‌های اطلاعات علمی بین‌المللی و ترندهای جستجو

بین‌المللی و ترندهای جستجو

کاربرد نرم افزار SPSS در پژوهش

بروبوزال نویسی

(علوم انسانی)

کاربرد نرم افزار End Note در استناددهی مقالات و متون علمی

صدور گواهینامه نمایه مقالات نویسندگان در SID

تأثیر عملکرد صندوقهای قرض الحسنه بر توسعه مالی

حسین حشمتی مولایی*

صندوقهای قرض الحسنه، خود، جزئی از سیستم مالی محسوب می‌شوند و به همین جهت، توسعه مالی در کل کشور، هم تحت تأثیر توسعه مالی صندوقها، و هم تحت تأثیر عواملی است که در اثر تغییر مقررات و یا سایر عوامل بطور غیرمستقیم می‌تواند بر توسعه مالی نقش داشته باشد. با توجه به اطلاعات بدست آمده از شاخصهای بخش مالی در ابعاد مختلف، شاخصهای جدیدی توسط سازمانهای بین‌المللی برای توسعه مالی کشورها ارائه شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که توسعه مالی در استانهای کشور از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت است. تأثیر صندوقهای قرض الحسنه در برخی از استانها بطور نسبی در توسعه مالی بیشتر است؛ زیرا دارای نظام کنترلی و

* دکتر حسین حشمتی مولایی؛ عضو هیأت علمی (بازنشسته) مؤسسه عالی بانکداری ایران.

E.mail: heshmatimail@gmail.com

نظارتی بهتر هستند. علاوه بر آن این صندوقها نیاز بیشتری به تقویت محیط عملیاتی و آموزشی دارند. بر اساس یک سری از شاخصها، توسعه مالی با توجه به رشد صندوقهای قرض الحسنه در مقایسه با برخی از مناطق جهان بهتر بوده؛ زیرا این صندوقها باید مورد نظارت دقیق تری قرار گیرند.

کلید واژه‌ها:

صندوقهای قرض الحسنه، سیاستهای اعتباری، سیاستهای پولی، توسعه مالی، شاخصهای مالی، کمکهای مردمی، هیأت امنای صندوق

Archive of SID

مقدمه

در حال حاضر کشورهای اسلامی روشهایی را برای رشد سریع اقتصادی در پیش گرفته اند، از جمله آنها اصلاح عملیات مالی خرد بخصوص در بخش مالی است که در دستور کار مقامات عالی این کشورها قرار گرفته است. فرض بر این است که بهبود عملکرد بخش مالی منجر به هزینه های کمتر اطلاعات مبادله و نظارت و در نهایت، بهبود کارایی و افزایش تولید خواهد شد. این استدلال بر اساس مقایسه آماری است که توسعه مالی با تعداد کمی از شاخصهای آماری اندازه گیری شده است. به هر حال، از لحاظ مقایسه ای، مطالعه کمی در خصوص توسعه مالی و اندازه گیری آن، که فراتر از شاخصهای ساده باشد، تا حدودی صورت گرفته است.

روش معمول استفاده از شاخصهای کمی استاندارد مانند نسبت نقدینگی به تولید ناخالص داخلی ($M2/GDP$) روشی اولیه برای شناسایی و اولویت اصلاحات بخش مالی در مناطق مختلف است.¹

شاخصهای ساده گرچه به آسانی برپایه مقایسه بین منطقه ای قابل دسترسی هستند، ولی اساساً توسعه کل بخش مالی را در بر نمی گیرد. توسعه مالی یک مفهوم چندگانه داشته که نه تنها میزان سپرده و تسهیلات اعطایی را شامل می شود؛ بلکه کنترل و نظارت، درجه رقابت، باز بودن مالی، ظرفیت نهادی نظیر قدرت حقوق مالکیت و تفاوت بازارها و تولیدات مالی که ساختار مالی یک کشور را تشکیل می دهند را نیز در بر می گیرد.

طبق این مطالعه با جمع آوری اطلاعات گسترده، موضوعات بخش مالی و توسعه آن مورد بررسی قرار گرفته است. برای بهبود عملکرد این شاخص، چندین معیار سیاستی را می توان پیشنهاد نمود. با استفاده از یک سری شاخصهای قابل دسترسی، عملکرد هر منطقه در مقایسه با دیگر مناطق تحلیل می شود. در این حال دریافتیم که تفاوت های اساسی در درجه توسعه مالی وجود دارد، برخی استانها نسبتاً توسعه یافته اند، در حالی که برخی دیگر نیاز به اصلاحات توسعه مالی دارند، بطوری که یک سری از این استانها عملکرد نسبتاً مطلوب در کنترل و نظارت همراه با درجه باز بودن مالی دارند. هر چند که بطور معنی داری این استانها

¹. N. Roubini, and X. Sala-i-Martin, (1992).

نیاز بیشتر به تقویت محیط نهادی و بهبود توسعه مالی غیر بانکی دارند. عملکرد برخی استانها در مقایسه با سایر استانها بهتر بوده، اما در مقایسه با تهران در رتبه پایین‌تری قرار گرفته است.

بدین ترتیب ادامه پژوهش به شرح زیر خواهد بود: ابتدا مروری بر ادبیات توسعه مالی و رشد، ارائه خواهد شد؛ سپس با استفاده از اطلاعات گردآوری شده، روندها و نقاط قوت و ضعف، عملکرد صندوقهای قرض‌الحسنه ارزیابی می‌شود و در مورد مناطقی که در آینده نیاز به اصلاح دارند، نیز بحث خواهد شد.

توسعه مالی و نقش آن در رشد اقتصادی

با توجه به مبانی نظری، ارتباط بین توسعه مالی با رشد وجود دارد، بطوریکه سیستم مالی توسعه یافته چند نقش مهم برای بهبود کارایی واسطه‌گری از طریق کاهش هزینه اطلاعات مبادله و نظارت ایفا می‌کند. در یک سیستم مالی مدرن، سرمایه‌گذاری به وسیله شناسایی و یافتن فرصتهای تجاری مناسب، تجهیز پس اندازها، نظارت بر عملکرد مدیران، متنوع‌سازی ریسک و تسهیل مبادلات کالاها و خدمات صورت می‌گیرد. این کار به تخصیص کاراتر منابع، انباشت سریع سرمایه فیزیکی و انسانی و پیشرفت فنی سریع‌تر منجر می‌شود که خود باعث تغذیه رشد اقتصادی خواهد شد.

نکته مهم این است که چه چیزی منجر به توسعه مالی می‌شود و برعکس، چه چیزی توسعه مالی را به عقب می‌اندازد. این پرسشها در سطح گسترده‌ای قابل طرح بوده و در عین حال، تحقیقات زیادی پیرامون ادبیات آن صورت گرفته است. در مجموع توافق بر این است که ثبات اقتصاد کلان برای رشد خدمات مالی نقش حیاتی دارد.^۱

از طرف دیگر توسعه مالی از طریق وضع محدودیتهای دولتی و اختلالات قیمتی بر بخش مالی، ممکن نیست تا دولت بتواند سیستم مالی را به عنوان منبع تأمین مالی عمومی بکار گیرد. در کشورهای در حال توسعه، نمونه این سیاستها شامل مالیات توری بالا، نسبت بالای ذخایر قانونی، اعتبارات یارانه‌ای و مستقیم، تبانی در قراردادهای بین بنگاههای عمومی

^۱. Maxwell Fry, (1995) and David Beim, (2001).

و بانکها، جیره‌بندی اعتبار، سقف نرخ بهره سپرده وام (نرخ بازگشت) را در بر می‌گیرد. این وضعیت مجموعه‌ای از سرکوب مالی را نشان می‌دهد و بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهد که سیاستهای سرکوب مالی، رشد اقتصادی را تضعیف می‌کند. برخی مطالعات نشان می‌دهد که درجه بالایی از سرکوب مالی، رشد پایین تر GDP و سرانه (بالای یک درصد) را در بردارد.^۱

بر اساس تحقیقات پایه‌ای، این قضیه، که توسعه مالی ارتباطی مثبت با رشد سطح درآمد دارد، تأیید می‌شود، اما رابطه علیت آن مشخص نشده است. بسیاری مطالعات، همبستگی مثبت بین سطح توسعه مالی و رشد اقتصادی را مورد تأکید قرار داده‌اند و معتقدند که تأثیر مثبت بین این دو، به چند عامل بستگی دارد^۲، اما در میزان اثرگذاری این ارتباط هنوز جای بحث باقی است. این موضوع به شاخصهای بکار رفته برای توسعه مالی، روش تخمین، اطلاعات و غیره بستگی دارد.

افزون بر آن، تأکید بیشتر برای توسعه مالی (به جای علت آن) می‌تواند به دنبال و یا همراه رشد باشد. برای مثال؛ بهبود در فناوری ارتباطات می‌تواند کارایی بخش مالی را گسترش دهد و یا خدمات مالی ممکن است درآمدها را رشد دهد؛ زیرا مردم تقاضای بیشتری از خدمات مالی دارند.

در بسیاری از مطالعات توسعه مالی، شاخصهای اقتصادی عامل مهمی در رابطه با رشد است. سطح ابتدایی توسعه مالی، نرخ معمول رشد اقتصادی، انباشت سرمایه و رشد بهره‌وری، و حتی درآمد، آموزش، ثبات سیاسی، سیاستهای پولی، تجاری و مالی می‌تواند مورد سنجش قرار گیرد. البته این موضوع بدان معنی نیست که توسعه مالی سبب رشد می‌شود؛ چرا که در استدلال سری زمانی که رابطه علیت توسعه مالی با رشد را نشان می‌دهد، جای بحث وجود دارد. برخی مطالعات رابطه علیت غیرمستقیم و حتی معکوس این دو را پیدا کرده‌اند؛ اما در برخی دیگر که سری زمانی طولانی‌تر و مجموعه متفاوتی از کشورها و روشهای اقتصادسنجی استفاده شده است، استدلالی قوی برای ارتباط توسعه مالی و رشد را پیدا کرده‌اند.^۳

^۱. N. Roubini, and X. Sala-i-Martin, (1992).

^۲. Loss Levine, (1997).

^۳. Paul Wachtel, (2001).

در نهایت می‌توان گفت که اگر چه مطالعات در این زمینه ادامه دارد، ولی یک بحث علمی این است که بخش مالی عقب افتاده، می‌تواند رشد را به سمت پایین هدایت کند و یا مانع آن شود و یا اینکه بخش مالی توسعه یافته، می‌تواند رشد را تسهیل کند. بنابراین، تصمیم‌گیری دولتی باید شرایط سرکوب مالی را حذف نماید و علاوه بر این، فرآیند توسعه مالی را به عنوان ابزار، در بسته سیاستی خود به منظور تحریک و تقویت رشد اقتصادی تسهیل و حمایت کند.

ارزیابی توسعه مالی صندوقها

نقش گسترش صندوقها و تأثیر توسعه مالی ناشی از آن بر رشد اقتصادی و ارزیابی توسعه بخش مالی در کشور نیاز به اندازه‌گیری مناسب توسعه مالی دارد. اغلب کار تجربی برای مقایسه بر مبنای شاخصهای استاندارد کمی مانند نسبت بدهیهای نقدی به GDP است. همان طور که در بالا اشاره شد، سری زمانی این شاخصها برای طیف گسترده‌ای از استانها وجود دارد و اجازه می‌دهد که توسعه مالی استانها در وسعت بیشتری مقایسه شود. هر چند که این شاخصها ساده‌اند، اما ضرورتاً ساختار متفاوت و جزئیات سازمانی مفهوم توسعه مالی را بیان نمی‌کنند. ساختار مالی کشور مرکب از بازارهای متفاوت و محصولات مالی بوده که تشریح کل جنبه‌های توسعه مالی با تعداد کمی از شاخصها دشوار است. علاوه بر آن، شاخصهای کمی استاندارد، ممکن است در برخی مواقع تصویر نادرستی از توسعه مالی را نشان دهند. برای نمونه، اگر چه نسبت بالاتری از پول به مفهوم وسیع‌تر (یا M2) به GDP بیانگر تعمیق مالی بیشتر است؛ اما این نسبت امکان دارد که توسعه مالی را به جای گسترش، کاهش دهد؛ چرا که ممکن است افراد، امکان سرمایه‌گذاریهای بلند مدت و ابزارهای مالی با تنوع نقدینگی کمتری داشته باشند.

در یک پژوهش^۱ شاخصهایی از ساختار بازار، محصولات مالی، آزادسازی مالی، محیط نهادی، بازبودن مالی و ابزارهای سیاست پولی را برای دستیابی به یک شاخص قابل مقایسه در

^۱. Enrique A. Gelbard and Sergio Pereira Leite, (1999).

۳۸ کشور صحرای افریقا (۹۷ - ۱۹۸۷) بکار برده‌اند. «آبیاد و مودی»^۱ (۲۰۰۳) نیز شاخصی برای یک دوره ۲۴ ساله (۹۶ - ۱۹۷۳) در ۳۵ کشور ارائه کردند. آنها شش معیار مربوط به سیاستهای آزاد سازی در این کشورها؛ از جمله کنترل اعتبارات، کنترل نرخ بهره، محدودیتهای ورود، مقررات و بازارهای قرضه، خصوصی‌سازی بخش مالی و محدودیت مبادلات مالی بین‌المللی را مورد بررسی قرار دادند. جزئیات بیشتر این شاخصها، تحلیل کامل‌تری از توسعه مالی را فراهم کرده و موجب می‌شود که توسعه مالی نیز مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد.

در هر حال آنچه در این تحقیق مبنا قرار گرفت نسبت پول به مفهوم وسیع آن به تولید ناخالص داخلی بود.

مطالعات آماری در استانهای کشور

مطالعه، پیرامون اندازه‌گیری توسعه مالی در استانها بویژه به دلیل کمبود اطلاعات، کمتر انجام شده است. این تحلیل بر اساس مهمترین شاخص، بنا نهاده شده است. در این پژوهش استانهای کشور، بر اساس آمارهای مرکز آمار ایران در طول سال ۱۳۸۰ مورد بررسی قرار گرفته است.

طبق این تحقیق اطلاعات مربوط به تولید ناخالص داخلی و متغیرهای مالی این استانها گردآوری شده و این اطلاعات نیز بر اساس شش موضوع زیر که جنبه‌های متفاوت توسعه مالی را ترسیم می‌کند، تقسیم‌بندی شده‌اند:

۱. توسعه بخش مالی در استانها
۲. افزایش سپرده‌گذاران در صندوقهای قرض‌الحسنه
۳. توسعه اعتباری صندوقهای قرض‌الحسنه
۴. کمکهای مردمی، دولتی و سازمانهای غیر دولتی
۵. میزان پس انداز در صندوقهای قرض‌الحسنه
۶. تسهیلات اعطایی صندوقهای قرض‌الحسنه

^۱. Abdul Abiad and Ashoka Mody, (2003).

آمار و اطلاعات متغیرهای توسعه مالی صندوقها در جهت محاسبه شاخصهای از پیش گفته شده، جمع‌آوری و سپس بررسی شاخصها به منظور ارزیابی توسعه مالی در هر استان تهیه شده است.

توسعه بخش مالی در استانها

توسعه بخش مالی در استانهای کشور بر اساس شاخص حجم پول نسبت به تولید ناخالص داخلی اندازه‌گیری شده و بر این اساس می‌توان، وضعیت استانهای کشور را از نظر نسبت توسعه مالی مورد ملاحظه قرار داد.

طبق این بررسی می‌توان گفت که نسبت توسعه مالی در تهران نسبت به سایر استانها، در سطحی بسیار بالا؛ یعنی بیش از ۹۰ درصد محاسبه شده است، و به ترتیب استانهای اصفهان، فارس و یزد، با شاخص بیشتر از ۵۰ درصد توسعه مالی مشخص شده است. در صورتی که متغیرهای مالی و سازمانی صندوقهای قرض‌الحسنه را در رابطه با توسعه مالی هر استان بر اساس آمار سال ۱۳۸۰ مورد توجه قرار دهیم، می‌توان نقش برخی متغیرهای مالی را معنی‌دار تلقی نمود؛ زیرا طبق بررسیهای اقتصادسنجی داریم:

$$FD = .22 + 2.62 DTR + .09 FDR - 2 NBR + .22 DUM \quad (1)$$

$$(4.35) \quad (3.75) \quad (-3.02) \quad (5.79)$$

$$R^2 = .83 \quad F = 24.8$$

در رابطه فوق داریم:

FD : نسبت توسعه مالی در هر استان

DTR : نسبت سپرده‌های صندوقهای قرض‌الحسنه هر استان

FDR : نسبت تسهیلات اعطایی به سپرده‌های قرض‌الحسنه در هر استان

NBR : نسبت شعب صندوقهای قرض‌الحسنه در هر استان

DUM : متغیر مجازی که استانهای توسعه یافته مالی را واحد فرض نموده است

در این حال، همانطور که ملاحظه می‌شود، آنچه مهمترین نقش را در توسعه مالی استانها داشته است، میزان سپرده ای است که صندوقها، موفق به جذب آن بوده اند، در این حال انبساط اعتباری صندوقهای قرض الحسنه نیز نقش مثبتی بر توسعه مالی داشته است، زیرا این نقش تحت تأثیر افزایش تعداد شعب صندوقها نبوده است.

نکته مهمی که در این بررسی مشاهده شده، نقش منفی گسترش شعب صندوقها بوده است؛ بطوریکه توسعه بی رویه شعب با توجه به عدم امکان حسابهای جاری فعال در صندوقهای قرض الحسنه، باعث تنزل سطح توسعه مالی در صندوقها بوده است.

اکنون می‌توان با توجه به رابطه مذکور نقش مصوبه صندوقهای قرض الحسنه بر توسعه مالی را از یک جهت با نقش مثبت؛ و از جهت دیگر با تأثیری منفی، مورد ملاحظه قرار داد.

طبق ماده (۱) و (۸) مصوبه^۱ شورای پول و اعتبار، صندوقها با توجه به فعالیت مالی صرفاً در امر پرداخت و دریافت قرض الحسنه، از پرداخت هرگونه سود به سپرده‌گذاران منع شده‌اند، این محدودیت می‌تواند نقش منفی در جذب سپرده‌گذاران در صندوقهای قرض الحسنه داشته باشد و با توجه به اینکه اعطای تسهیلات نیز برای صندوقها- غیر از تسهیلات مبتنی بر قرض الحسنه- ممنوع شده، می‌توان مشاهده کرد که عملاً این مواد از مصوبه، مانع توسعه وسیع مالی خواهد بود، بنابراین با توجه به اینکه صندوقها ممکن است بتدریج، آن بخش از عملیات سپرده‌گیری و یا اعطای تسهیلات- که مبتنی بر عقود اسلامی بر پایه سود می‌باشد- را در چارچوب مؤسسات اعتباری عملی می‌کنند، در بلندمدت می‌توان انتظار داشت که توسعه مالی تحت تأثیر مصوبه مالی در چارچوب قانونی پس از یک وقفه، دوباره تداوم یابد.

تأثیر مثبت این مصوبه کنترل گسترش شعب صندوقها است، همانطور که ملاحظه می‌شود، گسترش شعب، طبق عملکرد صندوقها، تأثیری منفی در توسعه مالی در سطح استانها داشته است، بنابراین می‌توان پیش بینی نمود که در رابطه با جلوگیری از گسترش بی رویه شعب، مصوبه، نقشی مثبت باقی خواهد گذاشت و موجب توسعه مالی در سطح کشور خواهد شد. طبق ماده (۱۲) این مصوبه، صندوقها مجاز به فعالیت در رابطه با عملیات خاص

^۱ مصوبه شورای پول اعتبار ۱۳۸۳.

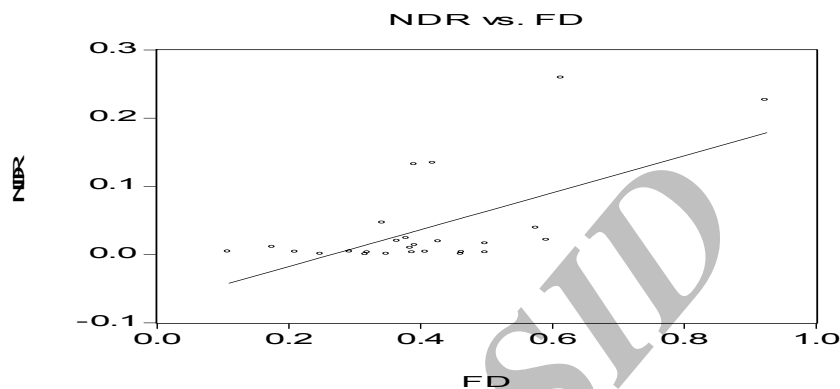
خود صرفاً در حوزه‌ای هستند که در آن حوزه به ثبت رسیده‌اند. تأسیس شعبه یا نمایندگی و باجه و امثال آن، بیرون از اخذ مجوز بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است. طبق رابطه از پیش گفته، موقعیت استانها نیز در توسعه مالی بی‌تأثیر نبوده است و همانطور که ملاحظه می‌شود متغیر مجازی که استانهای پیشرفته را از نظر توسعه مالی از استانهای محروم جدا نموده است، خود در توسعه مالی مؤثر بوده و بنابراین می‌توان گفت تأثیر متغیرهای مالی صندوقها در عین حال در استانهای پیشرفته تر بیشتر بوده است.

افزایش سپرده‌گذاران در صندوقها

در دو دهه گذشته مشارکت مردمی در صندوقهای قرض‌الحسنه، در سطح وسیعی، افزایش یافته است.

اگر چه گسترش بی‌رویه صندوقها، بدون توجه به سایر متغیرهای مالی و عدم وجود نظارت «مرکزی» در برخی موارد، موجب کند شدن توسعه مالی استانها بوده است ولی در صورتی که این توسعه با توجه به نیازهای انتقالی و داد و ستدهای مالی صورت گیرد، می‌توان نقش مشارکت عمومی را در توسعه مالی در نظر گرفت.

به این ترتیب زمانی که تعداد نسبی سپرده‌گذاران صندوقها را در رابطه با توسعه مالی در دوره مورد بررسی در نظر می‌گیریم، می‌توان نقش مثبت آنرا در صورتی که هماهنگ با سایر متغیرهای مالی توسعه یابد، در نظر گرفت:



نمودار ۱. تعداد سپرده‌گذاران صندوقها و توسعه مالی در استانهای کشور

همانطور که مشاهده می‌شود می‌توان طبق نمودار شماره (۱) ارتباط رگرسیونی توسعه مالی و افزایش نسبی سپرده‌گذاران را در استانهای مختلفی در نظر گرفت.

بر اساس جدول همبستگی متقابل متغیرهای پولی و بانکی، مشاهده می‌شود که این متغیر؛ یعنی تعداد سپرده‌گذاران، بعد از سهم تولید ناخالص هر استان، میزان سپرده و میزان تسهیلات اعطایی صندوقها، بیشترین همبستگی را با توسعه مالی در استانهای کشور داشته است و در عین حال این متغیر؛ یعنی تعداد سپرده‌گذاران، بیشتر از هر متغیر دیگر تحت تأثیر میزان تسهیلات اعطایی و نرخ سود سپرده بوده است. در واقع می‌توان گفت که با توجه به اینکه در زمان بررسی صندوقها به سپرده‌گذاران، سودی بیشتر از سود علی الحساب بانکهای رسمی پرداخت می‌شده؛ اغلب این متغیر، با توجه به نرخ سود دریافتی و نیز میزان تسهیلات اعطایی، به توسعه مالی صندوقها کمک کرده است.

افزایش تعداد سپرده‌گذاران از دو جهت می‌تواند نقش مثبت در توسعه مالی داشته باشد، نخست، مشارکت برخی سپرده‌گذاران محلی که اغلب تاکنون با عملیات بانکی بیگانه بوده‌اند، و در این حال صندوقها می‌توانند به تدریج الگوی رفتاری آنها را تغییر داده و نقش سازنده سپرده‌گذاری را، چه برای دریافت تسهیلات و چه برای کسب سود ناشی از

سپرده‌گذاری، تقویت نمایند؛ دوم تعامل صندوقها با عملیات واقعی در بازار کسب و کار است که از طریق ایجاد منابع اعتباری ناشی از سپرده‌گذاری، بخش اعتباری منابع در سطح استان افزایش خواهد یافت.

طبق مصوبه شورای پول و اعتبار (۱۳۸۳)، به نظر می‌رسد با حذف پرداخت سود به سپرده‌گذاران صندوقهای قرض‌الحسنه، بخش قابل ملاحظه‌ای از سپرده‌گذاران کاسته شوند و در کوتاه‌مدت نیز توسعه مالی کاهش یابد، در این حال در صورتی که صندوقها بتوانند از طریق ایجاد مؤسسات اعتباری غیر بانکی مشتریان خود را حفظ نمایند، به نظر می‌رسد، توسعه مالی در بلندمدت قابل دسترسی خواهد بود.

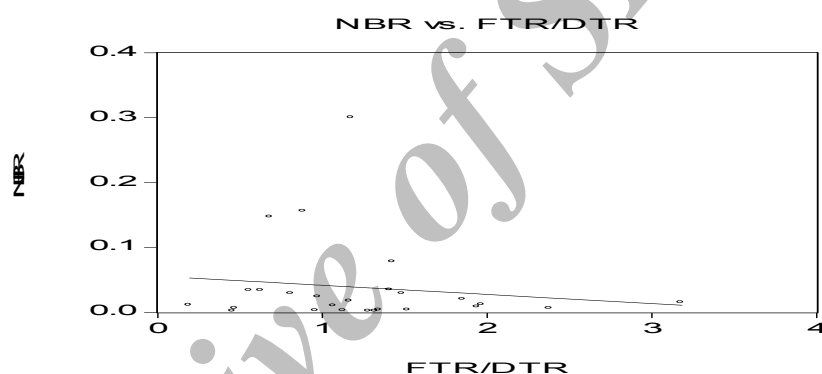
توسعه اعتباری صندوقهای قرض‌الحسنه

توسعه اعتباری صندوقهای قرض‌الحسنه بر اساس میزان تسهیلات اعطایی نسبت به سپرده‌های دریافت شده محاسبه شده است. این شاخص که با عنوان انبساط اعتباری صندوقها نیز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد، قدرت ریسک‌پذیری صندوقها را نشان می‌دهد.

در واقع استانهایی که در آن صندوقها به مراتب کمتر از میزان سپرده دریافتی، تسهیلات اعطا نموده‌اند با ریسک کمتری مواجه بوده‌اند، ولی در عین حال میزان سود و کارمزد این صندوقها نیز اندک بوده است. در حالیکه در استانهای دیگر که میزان تسهیلات اعطایی به مراتب بیشتر از میزان سپرده‌های دریافتی بوده است؛ می‌توان در صورت عدم وجود یک منبع مالی کمکی، مخاطره بالایی را برای این صندوقها در نظر گرفت.

براساس بررسی صندوقها مشاهده می‌شود که انبساط اعتباری صندوقهای قرض‌الحسنه در استانها طبق آخرین آمار موجود، در برخی استانها مانند کرمان، کرمانشاه، گلستان، قزوین و چهارمحال و بختیاری در حد بسیار بالایی محاسبه شده است. این امر نشان می‌دهد که این صندوقها یا از منابع کمکی سازمانهای غیردولتی و کمکهای مردمی برخوردار بوده‌اند و یا با ریسک بالایی مبادرت به عملیات مالی نموده‌اند؛ برای مثال کرمان و کرمانشاه، با توجه به محدودیت سپرده‌های دریافتی، ناچار به دریافت کمکهای مالی بوده‌اند و سایر استانها مانند اصفهان، خراسان و فارس با ریسک بالایی مبادرت به اعطای تسهیلات کرده‌اند.

طبق رابطه اقتصاد سنجی (۱)، می‌توان گفت که انبساط اعتباری صندوقها اگر چه نقش مثبتی در توسعه مالی هر استان داشته، اما این نقش چندان مهم نبوده است. بر اساس رابطه (۱) نقش انبساط اعتباری صندوقهای قرض‌الحسنه با ضریب ناچیز ۰/۰۹ بر توسعه مالی هر استان مؤثر بوده است؛ ولی انبساط اعتباری با توسعه شعب صندوقها متفاوت بوده بطوریکه هم طبق رابطه (۱) و هم با توجه به نمودار شماره (۲) می‌توان مشاهده نمود که افزایش شعب صندوقها، خود رابطه‌ای معکوس با انبساط اعتباری برقرار نموده و در نهایت تأثیری معکوس بر توسعه مالی استانها داشته است.



نمودار ۲. ارتباط افزایش شعب و توسعه مالی در استانهی کشور

این موضوع با توجه به اینکه شعب صندوقهای قرض‌الحسنه از افتتاح حسابهای جاری بر اساس مجوز بانک مرکزی محروم است، می‌تواند مانع سودآوری مورد انتظار شده و بنابراین تنها منجر به افزایش نامتناسب هزینه نهایی صندوقها خواهد گردید. به همین دلیل طبق ماده (۷) مصوبه، صندوقها تنها پس از کسر سپرده‌های احتیاطی در حد محدودی مجاز به اعطای تسهیلات خواهند بود و این ممنوعیت می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در کاهش ورشکستگی صندوقها داشته باشد.

کمکهای مردمی، دولتی و سازمانهای غیر دولتی

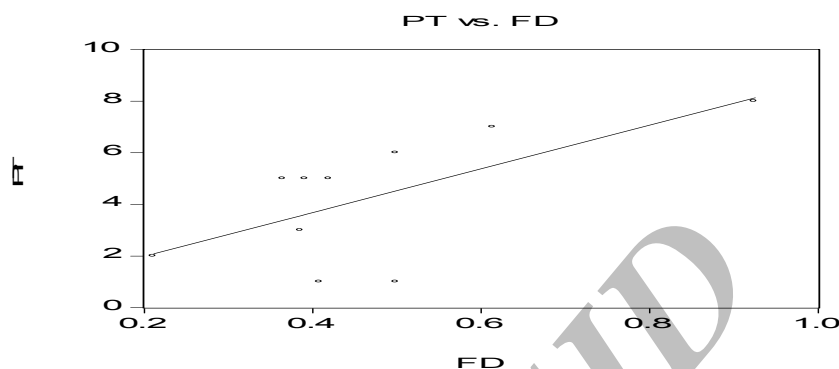
یکی از عوامل مهم در پایداری صندوقهای قرض الحسنه، کمکها و اعانات از طرف نهادها و مردم است. اغلب با توجه به اینکه میزان تقاضای تسهیلات در صندوقهای قرض الحسنه به مراتب بیشتر از منابع موجود در صندوقها است، می‌توان مشاهده نمود که در بسیاری از استانهای کشور، صندوقها، تحت تأثیر این نوع کمکها به فعالیت مالی خود تداوم بخشیده‌اند.

بطور کلی کمکهای مالی به صندوقها را می‌توان در سه بخش مورد بررسی قرار داد:

نخست: کمکهای مردمی

کمکهای مردمی معمولاً از طریق اشخاص حقیقی و افراد خیر که نسبت به تداوم کار صندوقها و مشکلات ناشی از انبساط اعتباری صندوقها واقف هستند، صورت می‌گیرد. طبق آمارهای مربوط به صندوقهای قرض الحسنه، کمکهای مردمی در بیشتر استانهای کشور وجود داشته و در مورد نقش این کمکها در حفظ و تداوم عملیات صندوقها می‌توان طبق نمودار شماره (۱۰)، رابطه مثبتی بین کمکهای مردمی و توسعه مالی در استانها مشاهده نمود.

اگر چه در بیشتر اعتبارات، میزان تسهیلات در اندازه محدودی صورت گرفته، اما با توجه به تعداد گیرندگان تسهیلات می‌توان حمایت اشخاص خیر را در تأمین منابع صندوقها برای رفع نیازهای ضروری اشخاص و تداوم کار صندوقها در نظر گرفته. بر اساس نمودار شماره ۳، می‌توان ملاحظه نمود که بطور متوسط در استانهایی که کمکهای مردمی به صندوقها در سطح بالاتری قرار داشته، توسعه مالی استانها نیز بالاتر بوده و در استانهایی که این کمکها در سطح پایینی قرار گرفته، توسعه مالی استان نیز پایین تر بوده است.



نمودار ۳. ارتباط کمکهای مردمی به صندوقها و توسعه ملی در استانهای کشور

این مسئله با توجه به بند (ب)، (ج) و (د) ماده (۷) مصوبه می‌تواند نقش مهمی در افزایش منابع مالی صندوقها داشته و در نهایت موجب توسعه مالی در هر استان باشد. طبق بند (پ) ماده (۷) مصوبه، هدایا و کمکهای نقدی و غیرنقدی اشخاص حقیقی و حقوقی از داراییهای صندوق محسوب می‌شود و بر اساس بند (ج) همان ماده، موقوفات، وصایا، محبوسات، خیرات و میراث که توسط اشخاص خیر به منظور مصرف در چارچوب وظایف صندوق قرار دارند، منابع مالی صندوق بوده و حتی وجوه اداره شده که طبق بند (د) ماده ۷ در اختیار صندوق قرار می‌گیرد، می‌تواند نقش مهمی در توسعه مالی هر استان داشته باشد.

دوم: کمکهای سازمانهای غیردولتی

علاوه بر کمکهای مردمی که اغلب منجر به ایجاد و تداوم عملیات مالی صندوقهای قرض الحسنه بوده است، می‌توان نقش سازمانهای غیردولتی را نیز به‌عنوان عامل مهم دیگری مورد توجه قرارداد.

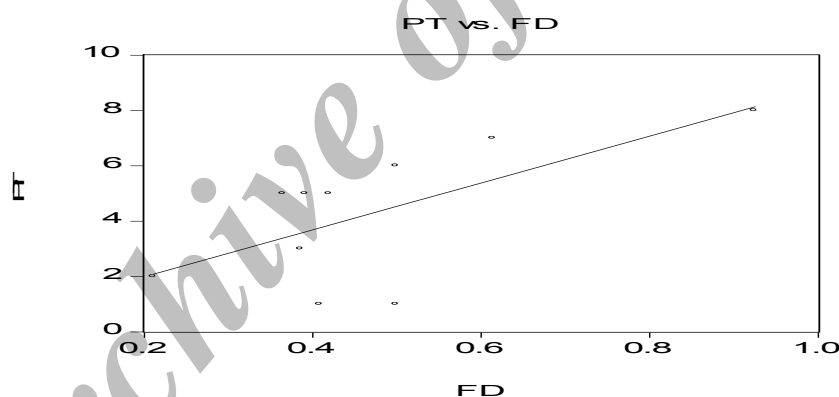
اغلب سازمانهای غیردولتی بر اساس کمیته‌هایی متشکل از کارکنان خود مبادرت به تشکیل صندوقهای قرض الحسنه می‌نمایند. این صندوقها نقش مهمی در رفع نیازهای اعتباری

ضروری کارکنان این سازمانها داشته و در عین حال با توجه به نقش مفید آن، بخشی از منابع صندوق، توسط سازمان، مورد حمایت قرار می گیرد.

همانطور که در نمودار شماره (۴) می توان مشاهده کرد، نقش کمکهای سازمانهای دولتی در رابطه با صندوقهای قرض الحسنه، پس از کمکهای مردمی، مهمترین عامل در حفظ تعادل عملیات مالی و اعتباری صندوقها بوده و بنابراین تأثیری مثبت بر توسعه مالی در استانهای کشور داشته است.

بر اساس بند (ب) ماده ۷ مصوبه می توان امکان دریافت این کمکها را همچنان عملی دانست.

به این ترتیب بنظر می رسد پس از تصویب این مصوبه، گسترش صندوقهایی که مورد حمایت سازمانهای غیردولتی هستند، بیشتر باشد.

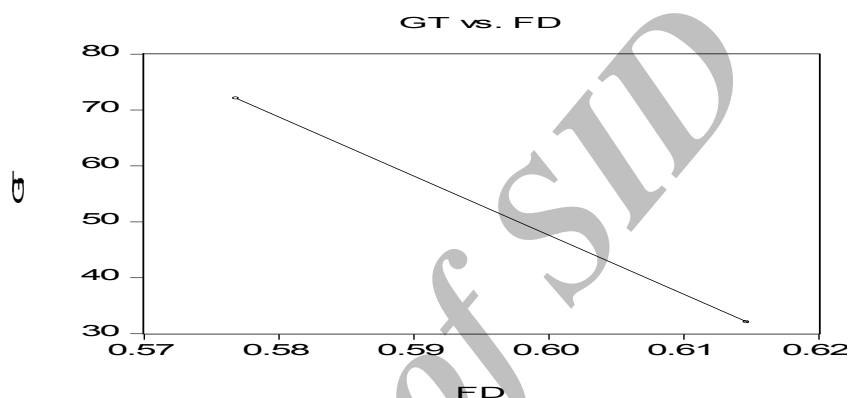


نمودار ۴. کمکهای سازمانهای غیر دولتی به صندوقها و توسعه مالی در استانهای کشور

سوم: کمکهای سازمان های دولتی

طبق آمارهای مورد بررسی، کمکهای سازمانهای دولتی به صندوقهای قرض الحسنه محدود بوده و براساس اطلاعات محدودی که دریافت شده طبق نمودار (۵) این ارتباط حتی منفی نیز بوده است. این موضوع به این معنا است که هرگونه دخالت دولت ممکن است نظم

داخلی جریانات اعتباری را بهم ریخته و اذهان مشتریان از مشارکت متقابل و مردمی به انتقالات بخش دولتی جذب شود درحالیکه کار این صندوقهای قرض الحسنه متکی به مشارکت مردمی و نیت معنوی تأمین کنندگان منابع قرض الحسنه است.

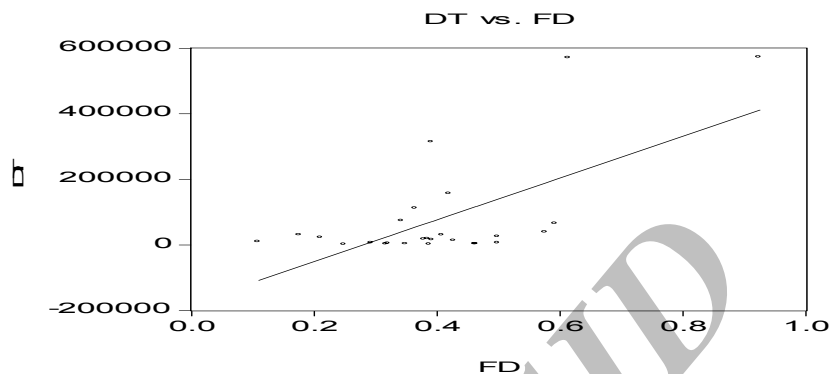


نمودار ۵. کمکهای سازمانهای دولتی به صندوقها و توسعه مالی در استانهای کشور

میزان پس انداز در صندوقهای قرض الحسنه

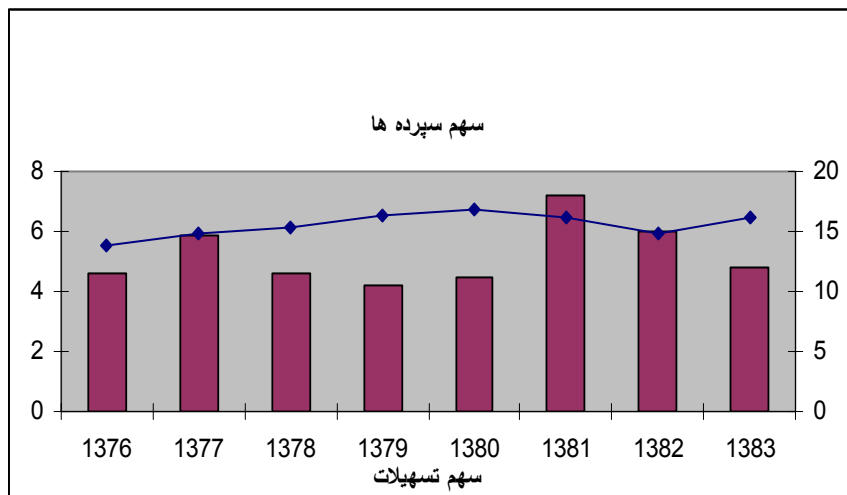
یکی از مهمترین عوامل توسعه مالی، میزان پس انداز در مؤسسات مالی و اعتباری می باشد؛ زیرا بر مبنای سپرده است که بانکها و مؤسسات اعتباری و صندوقهای قرض الحسنه قادر به ارائه تسهیلات و عملیات اعتباری هستند.

همانطور که در رابطه (۱) مشاهده شد، سپرده گذاری در رابطه با توسعه مالی استانها مهمترین نقش را داشته و با توجه به معنی دار بودن ضریب سپرده گذاری بر توسعه مالی استانها می توان ملاحظه نمود که در مقابل یک درصد که به سپرده گذاری صندوقها اضافه شده، ۲/۶۲ درصد بر روی توسعه مالی استانها مؤثر بوده است به عبارت دیگر طبق نمودار شماره (۶)، می توان مشاهده نمود که ارتباط بین سپرده گذاری در صندوقهای قرض الحسنه و توسعه مالی استانها، صعودی بوده و با توجه به نقشی که سپرده ها بطور بالقوه در توسعه عملیات اعتباری داشته اند، در نهایت تأثیر مثبتی بر توسعه مالی استانها باقی گذاشته اند.



نمودار ۶. سپرده‌های قرض‌الحسنه در صندوقها و توسعه مالی در استانهای کشور

یکی از دلایل توسعه صندوقهای قرض‌الحسنه به خصوص تا سال ۱۳۸۰ و حتی بین سالهای ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳، عدم تعادل بین سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی در بانکها است؛ بطوریکه می‌توان مشاهده کرد طبق نمودار شماره (۷)، سهم سپرده‌های قرض‌الحسنه از سیستم بانکی از ۱۳/۹ درصد در سال ۱۳۷۶ به ۱۶/۸ در سال ۱۳۸۰، افزایش یافته، در حالیکه سهم تسهیلات قرض‌الحسنه اعطایی که در سال ۱۳۷۷، ۵/۹ درصد کل تسهیلات را تشکیل می‌داده، به تدریج کاهش یافته و در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ به ترتیب به ۴/۲ و ۴/۵ درصد نقصان یافته است. بنابراین مردم گرایش قابل توجهی به طرف صندوقهای قرض‌الحسنه از خود نشان دادند؛ زیرا این صندوقها، بخش بیشتری از سپرده‌های خود را به تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص داده بودند و در سال ۱۳۸۰ نیز میزان تسهیلات اعطایی، به ۷۵ درصد سپرده‌ها، بالغ گردید.



نمودار ۷. سهم تسهیلات قرض الحسنه از کل تسهیلات و سهم سپرده‌های قرض الحسنه از شبه پول در سیستم بانکی

در این حال تأثیر مصوبه ممکن است بخصوص در سالهای اولیه حجم سپرده‌ها را تا حدود زیادی کاهش دهد؛ زیرا طبق تبصره ۲ از ماده ۱۰ مصوبه، حتی اعطای قرض الحسنه به اعضای هیأت امناء، هیأت مدیره، مدیر عامل و بازرسان و نزدیکان درجه اول ایشان، طبق دستورالعملی خواهد بود که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و اعلام می‌نماید.

علاوه بر تبصره فوق، طبق ماده ۱۱ همین مصوبه، حداکثر میزان قرض الحسنه قابل پرداخت به یک فرد، حداکثر مدت بازپرداخت و حداکثر نرخ کارمزد آن نیز توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین و ابلاغ می‌شود، بنابراین می‌توان اعطای تسهیلات در رابطه با سپرده‌گذاریهایی برنامه‌ریزی شده برای منابع بیش از میزان مجاز را بعد از اجرای مصوبه، محدود تلقی نمود.

به این ترتیب به نظر می‌رسد در سالهای ابتدایی اجرای مصوبه بانک مرکزی سپرده‌گذاری در صندوقهای قرض الحسنه تا حدودی کاهش یابد، بنابراین می‌توان امیدوار بود که پس از مدتی کوتاه، دوباره صندوقها بتوانند شرایطی را فراهم سازند تا در چارچوبی قانونی،

این نوع سپرده‌ها در سطح قابل قبولی گسترش یابد و یا با تبدیل صندوقها به مؤسسات اعتباری بتوان طبق ضوابط قانونی حجم کلی سپرده را افزایش داد.

میزان تسهیلات درصندوقهای قرض‌الحسنه

میزان تسهیلات اعطایی درصندوقهای قرض‌الحسنه با توجه به تأثیری که متقابلاً در جذب منابع سپرده‌ای متقاضی وام دارد، می‌تواند نقشی مهم در رابطه با توسعه مالی داشته باشد.

به همین ترتیب طبق رابطه اقتصادسنجی (۱)، انبساط اعتباری یا میزان تسهیلاتی که صندوقها براساس سپرده دریافتی اعطا نموده‌اند بعد از سپرده‌گذاری، نقش معنی‌دار بر توسعه اعتباری استانها داشته است.

طبق این بررسی، می‌توان ملاحظه نمود که سهم تسهیلات از سپرده در صندوقهای قرض‌الحسنه استانهای مختلف کشور، متفاوت بوده است، بنابراین، بطور نسبی می‌توان گفت استانهایی که از محرومیت بیشتری برخوردار بوده‌اند، و یا منابع سپرده‌ای صندوقها در آنها بسیار محدود بوده است؛ انبساط اعتباری بیشتری در آنها بچشم می‌خورد.

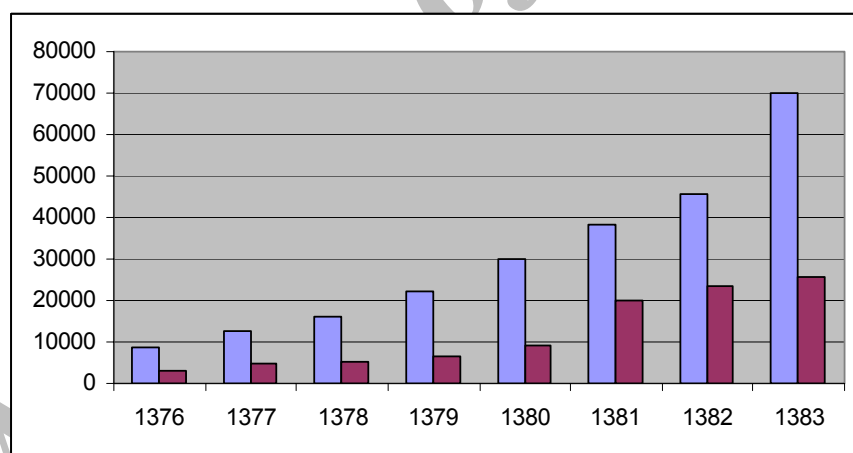
برای مثال در تهران، اصفهان، مازندران و خراسان که منابع سپرده‌ای از سطح بیشتری برخوردار بوده، انبساط اعتباری تا حدودی از نظر بانکی قابل قبول است، لیکن در چهارمحال بختیاری، کرمان، کرمانشاه، قزوین و گلستان که منابع سپرده‌ای بسیار محدود بوده است، انبساط اعتباری بیشتر بوده و این مسئله با توجه به تقاضای بیش از حد در این مناطق صورت گرفته است.

با توجه به اینکه برخی صندوقهای قرض‌الحسنه در نقاط مختلف کشور دارای شعب متعدد هستند، مسئله مذکور قابل توجیه است؛ زیرا امکان دارد مثلاً یک صندوق که در تهران یا مازندران دارای منابع سپرده‌ای کافی است، به اعطای تسهیلات در سایر نقاط کشور که از منابع کافی برخوردار نبوده‌اند، بپردازد. به این ترتیب طبق نمودار (۱۵) می‌توان مشاهده نمود که سهم تسهیلات اعطایی از سپرده‌های قرض‌الحسنه در برخی نواحی کشور از میزان واحد؛ یعنی صد درصد نیز فراتر رفته است.

با توجه به ماده ۱۲ مصوبه شورای پول و اعتبار، صندوقها بدون اخذ مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز به تأسیس شعبه با نمایندگی و یا باجه و امثال آن نخواهند بود. در صورتیکه این ممنوعیت گسترش شعبه ای صندوقها، نقاط مختلف کشور را محدود نماید، می توان انتظار داشت که تا حدودی توسعه مالی در استانهای مختلف کشور نیز تنزل یابد.

در این صورت لازم است به تدریج صندوقهایی که قادر به اداره شعب در نقاط مختلف کشور هستند، از طریق تبدیل آن به مؤسسات اعتباری و یا بانک خصوصی و یا روشهای دیگر مورد حمایت قرار گیرند و نقش این صندوقها در توسعه مالی نیز حفظ شود.

البته صندوقها قادر به انبساط اعتباری در حد معمول نخواهند بود؛ زیرا سیستم بانکی طبق نمودار (۸)، درصد محدودی از منابع سپرده‌های را به اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص داده است.



نمودار ۸. سپرده‌های قرض‌الحسنه و تسهیلات قرض‌الحسنه در سیستم بانکی

طبق نمودار (۸)، در سال ۱۳۷۶، سهم تسهیلات قرض‌الحسنه فقط ۳۳ درصد از منابع سپرده‌ای بوده؛ درحالی‌که این سهم بدون تغییر قابل ملاحظه‌ای در سال ۱۳۸۳ در حدود ۳۷ درصد بوده است و این امر نشانگر کنترل بیشتر بانک مرکزی بعد از اجرای مصوبه می‌باشد. عملاً می‌توان انتظار داشت که انبساط اعتباری توسط صندوقها بعد از مصوبه کاهش یابد و بنابراین با کاهش توسعه مالی در استانها، لازم است تا با استفاده از روشهای دیگر، این اعتبارات را جبران نمود.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

ناهنجاریهای مترقب بر عملکرد خارج از اساسنامه صندوقهای قرض‌الحسنه از علل عدیده‌ای ناشی می‌شود. شناسایی این علل نقش تعیین‌کننده‌ای در استراتژی و جهت‌گیری لازم برای سازماندهی و نظارت‌پذیری این نهادها دارد که در زیر به برخی از مهمترین دلایل بروز این نابسامانی که می‌تواند در رابطه با توسعه مالی در اقتصاد کشور مؤثر باشد، اشاره شده است:

فقدان زمینه‌های قانونی و یا اجرایی لازم

عدم وجود بسترهای قانونی لازم برای توسعه مؤسسات مالی و ابزارهایی که به فراخور نیازهای نظام مالی کشور بایستی ایجاد شود؛ یکی از عمده‌ترین عللی است که انجام فعالیتهای مالی از این دست را به ناچار به سمت صندوقهای قرض‌الحسنه، تعاونیهای اعتبار یا مؤسسات اعتباری تخصصی سوق داده است. از جمله این محدودیتها می‌توان به عدم وجود وسیع بانکهای خصوصی داخلی و خارجی طی دو دهه گذشته، محدودیتهای موجود بر سر راه ایجاد مؤسسات اعتباری غیربانکی عمومی و عدم پیش‌بینی اساسنامه و چارچوبهای مشخص برای تأسیس دیگر واسطه‌های مالی غیرپولی نظیر شرکتهای تأمین مالی، شرکتهای اجاره بلند مدت، بانکهای سرمایه‌گذاری، بانکهای رهنی، شرکتهای سرمایه‌گذاری با امکانات سرمایه‌ای باز و بسته، سازمانهای وام و پس‌انداز و... اشاره کرد.

عدم پاسخگویی بانک‌ها متناسب با نیازهای اعتباری متنوع و رو به رشد مردم

نارسایی و عدم وجود نهادهای پیش گفته و محدودیتهای موجود بر سر راه توسعه یا تأسیس آنها در کنار ضعف بانک‌ها در پاسخگویی به نیازهای مصرفی و گاه انتفاعی متنوع مردم، این روند را تشدید کرده است. این ضعف از بوروکراسی و زمانبری اعطای تسهیلات، محدودیتهای عقود اسلامی، تکالیف تعیین شده برای بانک‌ها، محدودیتهای منابع آنها و سیاستهای کیفی و بازدارنده‌ای که از سوی مقام پولی از طریق سهم‌های اعتباری اعمال می‌شود، ناشی شده و عملاً سبب گردید که بخش قابل توجهی از نیازهای اعتباری متنوع و رو به رشد به سمت خارج از نهادهای بانکی متوجه شود که جایگزینهای محدودی برای پاسخگویی به آن وجود داشته است. این فشار اغلب به سمت صندوقهای قرض‌الحسنه، تعاونیهای اعتبار و مؤسسات اعتباری غیربانکی تخصصی و عمومی معطوف شده و بطور طبیعی تمایل به فعالیت خارج از چارچوب اساسنامه را - در مواردی که اساسنامه آنها از قابلیت لازم برای پاسخگویی برخوردار نبوده - موجب شده است. در این رابطه بویژه صندوقهای قرض‌الحسنه که از بوروکراسی نظارت‌پذیری کمتری برخوردار بوده‌اند، بیشتر متأثر شده‌اند. شایان توجه است که بانک‌ها حتی در اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه خود در مجاری صحیح، با دشواریهایی روبرو هستند و به علت عدم دارا بودن ارتباطات نزدیک با توده مردم - برخلاف صندوقهای قرض‌الحسنه - اعتبارات قرض‌الحسنه را به صورت صوری و تکلیفی اعطا می‌کنند.

انگیزه انتفاع از فعالیتهای مالی

انگیزه‌های انتفاعی به عنوان مهمترین اصل رفتار اقتصادی در هر نظام اقتصادی مطرح هستند و در شرایطی که زمینه‌های انتفاع نظام مند از فعالیتهای مالی پیش‌بینی نشده است از بین نمی‌روند؛ بلکه در قالب فعالیت نهادهای مالی غیررسمی یا فعالیتهای غیرقانونی و خارج از اساسنامه نهادهای رسمی متجلی می‌شوند. این واقعیت بیشتر از هر چیز دال بر آن است که سرکوب انگیزه‌های انتفاعی از طریق وضع قوانین، تصویب مصوبات یا ایجاد محدودیتهای اجرایی، کارایی و اثربخشی محدودی داشته و بیش از همه به تخریب نهادها و قالبهای رسمی

شناخته شده و توسعه بخش مالی غیررسمی منجر می‌شود. چنین شرایطی طبیعتاً با عدم شفافیت، عدم کنترل‌پذیری و آثار سوء کلان اقتصادی گسترده چه در عرصه فسادپذیری نهادهای اقتصادی و چه در صحنه کاهش اثربخشی سیاستهای خرد و کلان اقتصادی همراه است.

ساختار بازدهی اقتصادی کشور و سودآوری فعالیتهای غیرمولد اقتصادی

محدودیت‌های ساختاری و بازدارنده بر سر راه رشد فعالیتهای مولد اقتصادی و در نقطه مقابل بستر مناسب برای انجام فعالیتهای دلالی، واسطه‌گری، فعالیتهای تجاری و خدماتی عملاً ساختار بازدهی را بگونه‌ای شکل داده که فعالیتهای غیرمولد با بازدهی بیشتر، ریسک کمتر و سرعت برگشت سرمایه سریع‌تری در مقایسه با فعالیتهای مولد همراه هستند. این شرایط سیاست‌گذار اقتصادی را وادار می‌سازد که به منظور جلوگیری از رشد فعالیتهای غیرمولد و تأمین مالی بخشهای مولد به ابزارهایی نظیر، تعیین تکالیف متنوع برای بانکها، وضع سهم‌های اعتباری و در نهایت ایجاد ساز و کارهای بازدارنده بر سر راه توسعه مؤسسات مالی غیر بانکی عمومی یا واسطه مالی غیرپولی یا رویکرد مشابه متوسل شود. برای مثال به رغم آنکه مطابق ماده ۳ مقررات تأسیس و نحوه فعالیت مؤسسات اعتباری غیربانکی موضوع فعالیت مؤسسات اعتباری عمومی به رسمیت شناخته شده است. اما مؤسسات اعتباری غیربانکی عمومی با محدودیتهای عدیده‌ای برای اخذ مجوز فعالیت از بانک مرکزی روبرو هستند.

فقدان عزم جدی بانک مرکزی برای نظارت بر فعالیت واسطه‌های مالی

غیربانکی

به رغم وجود مصوبات لازم الاجرای شورای پول و اعتبار، در مورد نظارت بر عملکرد صندوقهای قرض‌الحسنه و دیگر واسطه‌های مالی غیربانکی به نظر می‌رسد که بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به دلیل دامنه گسترده دل‌مشغولیه‌ها، نظارت بر این مؤسسات را هرگز به عنوان یک اولویت جدی مدنظر قرار نداده است؛ اما با توسعه واسطه‌های مالی غیربانکی،

تکلیف قانونی دولت مبنی بر توسعه این مؤسسات در چارچوب نظارت بانک مرکزی (ماده ۹۲ قانون برنامه سوم) و انعکاس دامنۀ سوء عملکرد بسیاری از این مؤسسات براققتصاد کشور، بانک مرکزی ناچار از تجدید نظر در این امر و قرار دادن آن در اولویتهای سیاستی خود خواهد بود. با توجه به موارد ذکر شده به نظر می‌رسد که عدم اعتباردهی مناسب بانکها متناسب با نیازهای متنوع و رو به رشد مردم، فقدان بسترهای قانونی لازم برای فعالیتهای انتفاعی مؤسسات اعتباری غیربانکی و عدم وجود عزم جدی بانک مرکزی در نظارت بر فعالیت واسطه‌های مالی غیربانکی، حلقه‌های مکمل و در هم تنیده‌ای هستند که ما را به نابسامانی واسطه‌های مالی غیربانکی و در رأس آنها صندوقهای قرض‌الحسنه پیوند می‌دهد. با چنین شرایطی صرف تأکید مجدد بر ضرورت نظارت بر فعالیت این مؤسسات از طریق وضع قوانین یا تصویب مصوبات جدید در شورای پول و اعتبار، بدون پیش‌بینی راهکارها و ساز و کارهای مکملی برای جهت‌دهی انگیزه‌های انتفاعی یا تغییر روش، بانک مرکزی در عملکرد نظارتی خود ناکارآمد بوده و فاقد اثربخشی لازم ارزیابی می‌شود. شایان توجه است که براساس ضوابط کلی مربوط به نحوه فعالیت صندوقهای قرض‌الحسنه مصوب ۱۳۶۹/۵/۱۳، هدف از تدوین ضوابط کلی مربوط به فعالیت این مؤسسات، کمک به حسن اجرای سیاستهای پولی قلمداد شده است که از توجه تاریخمند شورای پول و اعتبار به آثار پولی فعالیت این صندوقها و ضرورت هماهنگی آن با سیاستهای پولی کشور حکایت می‌کند. با این حال توفیق در این مهم طی دو دهه اخیر بسیار اندک بوده است. بنابراین باز تعریف جایگاه هر یک از واسطه‌های مالی غیربانکی و ملزم کردن هر یک از نهادهای ذکر شده به انجام فعالیت در چارچوب اساسنامه‌های خود به‌عنوان بخشی از برنامه ساماندهی آنها اجتناب‌ناپذیر بنظر می‌رسد.

چنان که گفته شد موضوع نظارت‌پذیر کردن صندوقهای قرض‌الحسنه را نمی‌توان مستقل از چارچوب نظارتی و نهادی مورد نیاز برای دیگر واسطه‌های مالی غیربانکی دنبال کرد. چنانکه اشاره شد نیازهای رو به رشد و متنوع مردم و انگیزه‌های انتفاعی واسطه مالی را نیز نمی‌توان سرکوب کرد و صرف وجود قوانین بازدارنده، نمی‌توان متضمن ممانعت از

فعالیت‌های انتفاعی مؤسسات مالی شد؛ بلکه می‌توان، آن را به دیگر واسطه‌های مالی منتقل نمود.

بویژه از آنجا که نظام بانکی با عملیات و ارائه خدمات بانکی متنوعی درگیر است و تکالیف متعددی از سوی دولت متوجه این نهاد شده، نمی‌تواند بطور کامل نقش خود را در ارائه وام‌های مصرفی ایفا کند و پاسخگویی به این مهم جز از طریق بسط واسطه‌های مالی غیربانکی قابل پیگیری نیست. لزوم یک ساز و کار منطقی و یک چارچوب قانونی منسجم برای فعالیت واسطه‌های مالی غیربانکی در راستای کارکرد بهتر بخش مالی، ثبات نظام پولی، قانون‌مداری و افزایش سطح رفاه عمومی غیرقابل انکار خواهد بود. برای روشن شدن این ادعا فرض کنیم که چارچوب قانونی جدیدی که جایگاه هر یک از مؤسسات مالی را بدرستی روشن کند و فعالیت‌های انتفاعی را در مجرای خود قرار دهد، تصویب شود. همچنین فرض کنیم که چنین قانونی برای فعالیت‌های مالی انتفاعی محدودیتی قائل نشده باشد. با چنین شرایطی چارچوب قانونی حداقل از جهات زیر به بهبودی نظام مالی کشور کمک خواهد کرد.

۱. مؤسسات مالی انتفاعی در قالب نهادهای انتفاعی به فعالیت پرداخته و مطابق اساسنامه‌های پیش‌بینی شده و قوانین پولی و بانکی کشور فعالیت کنند. صندوق‌های قرض‌الحسنه نیز در این میان در چارچوب مقررات فعالیت مؤسسات غیرانتفاعی به فعالیت مشغول شوند. این شرایط حجم تخلفات مبنی بر خروج از اساسنامه را به حداقل ممکن کاهش خواهد داد.

۲. تطابق صورتهای مالی تهیه شده توسط این مؤسسات، مطابق با اساسنامه‌هایشان عملاً موجب شفاف‌سازی صورتهای مالی و امکان رسیدگی و نظارت بهتر شده و زمینه جرایم مترقب بر عدم شفافیت مانند پولشویی، اختلاس و ... به حداقل خواهد رساند.

۳. نگهداری سپرده‌های قانونی مؤسسات انتفاعی در بانک مرکزی، امکان اعمال سیاست پولی بانک مرکزی بر این مؤسسات و همچنین کاهش مخاطرات ناشی از ورشکستگی آنها برای سپرده‌گذاران را در پی خواهد داشت.

۴. بسیاری از فعالیتهای مالی غیررسمی و فعالیتهای انتفاعی خارج از اساسنامه مؤسسات رسمی در قالب یک چارچوب قانونمند انجام خواهد گرفت. چنین شرایطی حجم اقتصاد غیررسمی را کاهش داده و زمینه شکل بیشتر بازار مالی و کاهش حجم بخش مالی غیررسمی را به دنبال خواهد داشت.

۵. با ایجاد هویت حقوقی برای بسیاری از نهادهای مالی غیررسمی امکان رسیدگی قانونی به تخلفات آنها فراهم شده و نظام قضایی برای برخورد با چنین تخلفاتی آزادی عمل بیشتر و فضای شفافتری در اختیار خواهد داشت.

۶. ارقام مربوط به حجم فعالیتهای مالی اقتصاد کشور شفافتر و واقعیتر شده و کنترلپذیری سیاستگذار پولی بر متغیرهای پولی از طریق کاهش زمینههای بروز اختلال در نظام پولی افزایش خواهد یافت.

۷. دولت قادر خواهد بود از مؤسسات انتفاعی مربوطه مالیات اخذ نماید.

۸. با گسترش واسطه‌های مالی غیربانکی هم اهداف برنامه سوم محقق شده و هم زمینه تخصصی‌تر شدن فعالیت برخی از این مؤسسات و افزایش کارایی واسطه‌گری مالی فراهم خواهد آمد.

۹. عمق بازار مالی^۱ افزایش یافته و امکان پوشش دادن نیازهای مالی مردم و بویژه پاسخگویی به وامهای مصرفی با سرعت بیشتر و به صورت کاراتری فراهم خواهد شد.

۱۰. فشار تقاضای مردم بر بانکها کمتر شده و بانکها می‌توانند از طریق واگذاری بخشی از فعالیتهای خود؛ نظیر ارائه برخی خدمات به این مؤسسات و اعطای تسهیلاتی که برای قرض‌الحسنه در نظر گرفته می‌شود موضوع تخصیص بیشتر سایر منابع به صندوقهای قرض‌الحسنه را دنبال کنند. چنین شرایطی می‌تواند تخصیصی‌تر شدن فعالیت بانکها و کارآمدی در امر تخصیص منابع مالی را تقویت نماید.

۱۱. با گسترش امکان رقابت، زمینه کاهش هزینه‌های واسطه‌گری مالی فراهم خواهد

آمد.

^۱. Financial Deeping

۱۲. و در پایان، صندوقهای قرض‌الحسنه در واقع به فعالیت قرض‌الحسنه اشتغال خواهند داشت و سنت قرض‌الحسنه از انگیزه‌های سود جویانه و غیرمشروع در امان خواهد ماند.

Archive of SID

پی‌نوشتها:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۴۳.
۲. قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره) مصوب ۱۳۶۲.
۳. حشمتی مولایی، حسین. *دانشنامه جهان اسلام*، بانک در اسلام جلد پنجم، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، (۱۳۷۴).
۴. آذرنوش، علیرضا. «استفاده کارآمدتر از اعتبارات خرد در خاورمیانه و شمال آفریقا». *بانک و اقتصاد*، شماره ۴۶، خرداد ۱۳۸۳.
۵. حشمتی مولایی، حسین. «راهبرد الکترونیک در بانکداری اسلامی». *تازه‌های اقتصاد*، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۲.
۶. گزارشی از فعالیتهای سازمان اقتصاد اسلامی ایران در سال ۱۳۵۹، سازمان اقتصاد اسلامی.
۷. نتایج آمارگیری از صندوق‌های قرض‌الحسنه ۱۳۸۰، مرکز آمار ایران.
۸. مصوبه مربوط به مقررات و ضوابط کلی مربوط به نحوه فعالیت صندوقها (۱۳۶۹)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۳).
۹. مصوبات ۶۴۳ و ۶۴۴ امین جلسه شورای پول و اعتبار، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. مصوبه مربوط به صدور مجوز و نحوه فعالیت صندوقهای قرض‌الحسنه، مصوب ۱۳۸۳، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۱۱. گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در سالهای مختلف.

12. Abiad, Abdul, and Ashoka Mody. "Financial Reform: What Shakes It? What Shapes It?"; *IMF Working Paper*, 03/70, Washington: International Monetary Fund, (2003).

13. Beim, David O., and Charles W. Calomiris. *Emerging Financial Markets*. New York: McGraw-Hill Irwin., 2001.

14. Bruce C. Greenwald & Joseph E. Stiglitz. "Asymmetric Information and The New Theory of the Firm: Financial Constraints and Risk Behavior"; *National Bureau of Economic Research, Inc. Working Papers*, (1994).

15. Chalk, Nigel, Abdelali Jbili, Volker Treichel, and John Wilson. "Financial Structure and Reforms"; *in Building on Progress: Reform and Growth in the Middle East and North Africa*, Washington: International Monetary Fund, (1996).

16. Creane, Susan, Rishi Goyal, A. Mushfiq Mobarak, and Randa Sab. "Measuring Financial Development in the Middle East and North Africa"; *Unpublished; Washington: International Monetary Fund*, (2003a).

17. Creane, Susan, Rishi Goyal, A. Mushfiq Mobarak, and Randa Sab, "Banking on Development"; *Finance & Development*, Vol. 40, (2003b).

18. Dichter, Thomas. "NGOs in Microfinance: Past, Present and Future- An Essay"., *World Bank, Sustainable Banking With the Poor project, Washington, D.C.*, (1999).
19. Fry, Maxwell J. *Money, Interest, and Banking in Economic Development*. Baltimore, Maryland: Johns Hopkins University Press., 1995.
20. Gelbard, Enrique A., and Sergio Pereira Leite. "Measuring Financial Development in Sub-Saharan Africa"., *IMF Working Paper*, 99/105, (1999).
21. Jbili, Abdelali, Vicente Galbis, and Amer Biset. "Financial Systems and Reform in the Gulf Cooperation Council Countries"., *Unpublished; Washington: International Monetary Fund*, (1997).
22. Khan, Mohsin S., and Abdelhak S. Senhadji. "Financial Development and Economic Growth: An Overview"., *IMF Working Paper*, 00/209, (2000).
23. Levine, Ross. "Financial Development and Economic Growth: Views and Agenda"., *Journal of Economic Literature*, Vol. 35, No. 2, (1997): 688-726.
24. Nashashibi, Karim, Mohamad Elhage, and Annalisa Fedelino. "Financial Liberalization in Arab Countries"., *in Macroeconomic Issues and Policies in the Middle East and North Africa*, ed. by Zubair Iqbal, (2001).
25. Roubini, Nouriel, and Xavier Sala-i-Martin. "Financial Repression and Economic Growth"., *Journal of Development Economics*, Vol. 39 (July 1992): 5-30.
26. Wachtel, Paul. "Growth and Finance: What Do We Know and How Do We Know It?"., *International Finance*, Vol. 4, No. 3, (2001): 335-62.
27. Ziauddin Ahmad. "Islamic Banking at the Crossroads"., *Journal Of Islamic Economics*, II, 1 (Jan. 1989).

SID



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



کارگاه‌های آموزشی



سرویس ترجمه تخصصی



فیلم‌های آموزشی

کارگاه‌ها و فیلم‌های آموزشی مرکز اطلاعات علمی

آشنایی با پایگاه‌های اطلاعات علمی بین‌المللی و ترندهای جستجو

بین‌المللی و ترندهای جستجو

کاربرد نرم افزار SPSS در پژوهش

بروبوزال نویسی

(علوم انسانی)

کاربرد نرم‌افزار End Note در استناددهی مقالات و متون علمی

صدور گواهینامه نمایه مقالات نویسندگان در SID